

روش مارکس

انسانی که از علم هم چون ابزار شناخت برای تکرر عینی ی طبیعت استفاده کرده، همواره لجوجانه و مصرانه تلاش نموده تا خودش را خارج از حوزه ی این علم قرار دهد و امتیازات خاصی را در شکل به اصطلاح تبادل با نیروهای ماورای حسی (مذهب) و یا با فرضیات اخلاقی ی بی انتها (ایده آلیزم)، برای خود محفوظ دارد. مارکس، انسان را قاطعانه و برای همیشه از این امتیازات نفرت آور محروم کرد و به او به عنوان پیوندی طبیعی در روند تکامل تدریجی طبیعت مادی و به جامعه ی انسان به عنوان سازمان تولید و توزیع و بالاخره به نظام سرمایه داری به عنوان مرحله ای از پیش رفت جامعه ی بشری، نگریست.

هدف مارکس کشف "قوانین ابدی" ی اقتصاد نبود. او وجود چنین قوانینی را رد کرد. تاریخ توسعه ی جامعه ی بشری، تاریخ نظام های اقتصادی ی مختلفی است که هر کدام طبق قوانین مختص خود عمل می کند. انتقال از یک نظام به نظام دیگر، همیشه به وسیله ی رشد نیروهای مولد، مانند رشد تکنیک و سازمان دهی ی کار، تعیین می گردد. تغییرات اجتماعی [از ابتدا] تا مرحله ی معینی، خصلت کمی داشته و مبانی اجتماعی، مانند اشکال رایج مالکیت را به هم نمی ریزد. اما بعد زمانی فرا می رسد که نیروهای مولد به قدری رشد می یابد که دیگر نمی تواند خود را در قالب اشکال مالکیت کهن

محدود سازد. در این زمان است که یک تغییر رادیکال هم راه با شوک(های ناگهانی)، در نظم اجتماعی موجود رخ می دهد. نظام برده داری یا جایگزین کمون اولیه گردید و یا مکمل آن گشت. نظام (سرواژی) ارباب رعیتی با روینای فنودالی جانشین برده داری شد؛ پیش رفت های تجاری ی شهرهای اروپا در قرن شانزدهم شکلی از نظام سرمایه داری را برای اروپا به هم راه داشت که از آن پس تا کنون، چندین مرحله را پشت سر گذاشته است. مارکس در کتاب سرمایه اش به مطالعه ی عمومی اقتصاد مبادرت نمی ورزد، بلکه بر اقتصاد سرمایه داری که قوانین خاص خود را دارد، تکیه دارد. مارکس تنها در ضمن عبور است که از سایر نظام های اقتصادی یاد می کند و از آن ها به منظور روشن کردن خصلت نظام سرمایه داری بهره می گیرد.

اقتصاد خودکفای خانواده ی دهقان اولیه به "اقتصاد سیاسی" نیاز ندارد، زیرا این اقتصاد، از یک طرف، زیر سلطه ی نیروهای طبیعی و از سوی دیگر، زیر سلطه ی نیروهای سنتی است. اقتصاد طبیعی و جامع یونانی ها و رومیان که بر نیروی برده ها استوار بود، تحت کنترل برده دارانی بود که "نقشه"ی آن ها مستقیماً به وسیله ی قوانین طبیعت و کار روزمره معین می شد. همین را ممکن است به توان در مورد املاک قرون وسطی با دهقانانی که بر روی آن کار می کردند گفت. در تمام این موارد روابط اقتصادی با وجود شکل خام خود، واضح و روشن بود. اما در مورد جامعه ی معاصر مسئله کاملاً فرق می کند. این جامعه، روابط جامعه ی کهن و وجوه کار به ارث برده از جوامع پیشین را به طور کلی از بین برد. روابط اقتصادی ی نوین، شهرها، روستاها، استان ها و ملت ها را به هم پیوند داده است. تقسیم کار، سراسر کره زمین را احاطه کرده و با از هم پاشیدن سنت و کار روزمره،

این قیدوبندها خود به نقشه‌ی معینی تبدیل نشده، بلکه جدا از آگاهی‌ی بشر و دوراندیشی او و به نظر می‌رسید که پشت سر او عمل می‌کند. وابسته‌گی‌ی متقابل انسان به انسان، گروه‌ها، طبقات و ملل در پی تقسیم‌کار اجتماعی پیش آمده و به وسیله‌ی کسی رهبری و یا اداره نمی‌شود. انسان‌ها برای هم دیگر کار می‌کنند، بدون این که یک دیگر را به شناسند، بدون این که از نیازهای هم با خبر باشند و به امید این که و یا حتی با این اطمینان که روابط بین آن‌ها به نحوی خود را تنظیم خواهد نمود. البته عموماً هم همین طور است و یا از روی عادت همین طور می‌شود.

این کاملاً غیرممکن است که به خواهیم علل رویدادهای تکراری جامعه‌ی سرمایه‌داری را در آگاهی‌ی ذهنی‌ی- مقاصد و نقشه‌های- اعضای این جامعه بیابیم. رویدادهای تکراری‌ی عینی‌ی جامعه‌ی سرمایه‌داری، پیش از آن که علم به طور جدی به آن به پردازد، فرموله شد. تا به امروز اکثریت قابل ملاحظه‌ای از انسان‌ها هیچ چیز راجع به قوانین حاکم بر اقتصاد سرمایه‌داری نمی‌دانند. همه‌ی قدرت روش مارکس در برخورد او به پدیده‌ی اقتصاد، نه از نقطه نظر ذهنی‌ی برخی افراد که از نقطه نظر عینی‌ی جامعه در کل آن، سرچشمه می‌گرفت؛ درست مانند دانشمندان و محقق علوم طبیعی در برخوردش با یک کندوی عسل و یا یک تپه از آشیانه موربانه.

در علم اقتصاد اهمیت تعیین‌کننده در این است که مردم چطور عمل می‌کنند، نه این که آن‌ها در مورد آن اعمال، چه فکر می‌کنند. اخلاق و مذهب در پایه‌ی جامعه جای ندارد، بلکه این طبیعت و کار است که پایه‌ی جامعه را شکل می‌دهد. روش مارکس ماتریالیستی است، زیرا از هستی به آگاهی می‌رود، نه برعکس. روش مارکس دیالکتیکی است، زیرا هم طبیعت و هم

جامعه را در حال سیر تکامل تدریجی بررسی می کند و خود روند تکامل تدریجی را نتیجه ی جدالی دائمی بین نیروهای متضاد بر می شمارد.

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتاب خانه: <http://www.iwsn.org/nashr.htm>

آدرس پستی: BM Kargar, London WC1N 3XX, UK

ایمیل: yasharazarri@yahoo.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۴